

سوال 1 : تو این سوال باید لغاتی که زیرشون خط کشیده میشه رو معنی کنی

دام : این تیپ سوالی به بحث مهم داره اونم اینکه وقتی زیریه فعل خط میکشه اونو باید براساس جمله ترجمه کنیم یا صرفا ترجمه خود فعل بدون توجه به جمله رو بنویسیم.

این قضیه درباره تطابق فعل و فاعل تو زبان فارسی و بحث نوع ترجمه و زمان ترجمه مهمه . از این موضوع تا حالا 2 تا سوال طراحی شده که برای دوازدهم بوده :

(1) التَّجَارِبُ لَا تُغْنِيَا عَنِ الْكُتُبِ (دی 1400 / شهریور 1401 / شهریور 1402) : بی نیاز نمیکند

توضیح : آگه میخواستیم جمله رو ترجمه کنیم اینجوری میشد : تجربه ها ما را از کتاب ها بی نیاز نمیکند . ولی تو کلید نهایی بدون توجه به این موضوع صرفا خود فعل « لَا تُغْنِيَا » رو ترجمه کردن .

(2) أَحْضَرَ الْقَوْمُ إِبرَاهِيمَ (خرداد 1403) : حاضر کرد

توضیح : آگه بخواد براساس جمله ترجمه کنه باید بگه « حاضر کردند » ولی به صورت مفرد ترجمه کرده

نتیجه : آگه تو امتحان نهایی با این مورد برخوردین (فاعل جمع + فعل مفرد / فعل مفرد + فاعل جمع) فعل رو بدون توجه به تطابقش با

فاعل به صورت مفرد ترجمه کنین (البته دقت کنین که منظورم فقط تو این بخشه)

(2) خَافَ هَاشِمُ أَنْ يَرْعِيُوا فِيهِ (شهریور 98 / شهریور 1401) : علاقمند شوند

توضیح : چون تو این جا فاعل به خود فعل چسبیده پس در کل باید جمع معنی بشه .

الف) کهن سال (0.25)

شناسنامه : درس 3 یازدهم

از درس 3 تو نهایی یازدهم فقط یه سوال تو این قسمت اومده : يَأْكُلُ النَّاسُ لُبَّ بَعْضِ الْأُمَّارِ (خرداد 1403) : مغز / مغز میوه

بیا چنتا سوال دیگه از درس 3 حل کنیم :

رَائِحَةُ شَجَرَةِ النَّفْطِ كَرِيهَةٌ : بو / ناپسند و زشت

تَبْدَأُ حَيَاةَ شَجَرَةِ الْخَانِقَةِ بِالْإِلْتِفَافِ حَوْلَ جَذَعِ شَجَرَةٍ : خفه کننده / درهم پیچیدن / تنه

الْحَكْمُ مَا قَبْلَ الْهَدَفِ بِسَبَبِ تَسَلُّلِ : داور / گل / آفساید

الزَّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كُوكَبٌ دُرِّيٌّ : شیشه / درخشان

ب) درست و استوار (0.25)

شناسنامه : درس 4 یازدهم

از درس 4 تو نهایی یازدهم فقط یه سوال تو این قسمت اومده :

(1) طَوِيْبٍ لِمَنْ لَا يَخَافُ النَّاسَ مِنْ لِسَانِهِ (خرداد 1403) : خوشا به حال

امیررضا باستانی

2) فُكِّرْتُمْ تَكَلَّمْتُ تَسْلَمُ مِنَ الزَّلَلِ (خرداد 1402 - عصر): لغزش / جای لغزنده

بیا چنتا سوال دیگه از درس 4 حل کنیم:

إِنَّ المَرءَ مَخْبُوءٌ تَحْتَ لِسَانِهِ: پنهان

عَوْدَ لِسَانِكَ لِيَبَيِّنَ الكَلَامَ: نرمی

مِنْ آدَابِ الكَلَامِ قَلَّتْهُ: کمی

ج) شیفته (0.25)

شناسنامه: درس 6 یازدهم

از درس 6 تو نهایی یازدهم فقط یه سوال تو این قسمت اومده: حصلَ على شهادة الدكتوراه في الفلسفة و الدراسات الإسلامية (شهریور 1402): مطالعات

بیا چنتا سوال دیگه از درس 6 حل کنیم:

الإِتِّحَادُ بَيْنَ الحضارات: تمدن ها

ذهبتُ إِلَى المَتَجَرِّ لَشْرَا بَطَارِيَّةِ الجَوَّالِ: مغازه / تلفن همراه

أَعْطَيْتُ الشَّهَادَةَ الفَخْرِيَّةَ لِأُسْتَاذِي فِي الجامعة: افتخاری

النَّاسُ نِيَامٌ: خفتگان

د) تب (0.25)

شناسنامه: درس 7 یازدهم

از درس 7 یازدهم دو سوال تو این قسمت اومده: الدُّبْيَا حُ مَا كَانَ عِنْدَ الْعَرَبِ (خرداد 1403 - خرداد 1402 صبح): ابریشم / حریر

بیا چنتا سوال دیگه از درس 7 حل کنیم:

أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَتَصَيَّحُوا الْأَرْضَ مُخْضَرَّةً: سرسبز

أَنَا مُصَابٌ بِزُكَّامٍ: دچار شده / سرماخوردگی شدید

قَالَ الطَّبِيبُ بَعْدَ الفَحْصِ: معاینه کردن

الكَلِمَاتُ الْمُعَرَّبَةُ فِي اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ كَثِيرَةٌ: عربی شده

سوال 2: باید دنبال متضاد و مترادف باشیم:

این سوال تو امتحان نهایی میتونه 3 تا سبک داشته باشه.

1) یه مجموعه ای از لغات رو بدن بگن تو اینا متضاد ها و مترادف ها رو بنویسین. تا قبل خرداد 1402 میشه گفت همه نهایی ها اینجوری بود سبکسوز

2) یه جمله بدن بگن تو این جمله متضاد و مترادف رو پیدا کنین.

3) مثل سوال ما تو روی سوال کلمات رو پده و ازتون بخواد از متن های زیرش متضاد یا مترادف اونو پیدا کنین

الف) مشاغب = مُنازع (0.25) ب) حُلّة ≠ عدوان (0.25)

توصیه میکنم که حتما و حتما مترادف و متضادهای درس 2 رو بخونین که احتمال سوال دهی از اونجا زیاده.

بیا چنتا مثال دیگه هم حل کنیم:

1) عین مترادف لکلمة « تَحَدَّثَ » و متضاد لکلمة « وَرَاءَ » فی عبارات: (خرداد 1403)

الف) یَجْلِسُ الطالبُ أمامَ المعلمِ بِأَدَبٍ ب) نَطَقَ العربُ الکلماتَ الفارسیةَ وفقاً لألسنتهم

پاسخ: تَحَدَّثَ = نَطَقَ / وَرَاءَ ≠ أمامَ

2) عین مترادف و متضاد: (شهریور 1402)

الف) أَتَقَى الناسَ من قالَ الحقَّ فی مالِهِ وعلیه ب) إِنَّ المرءَ مَخْبِوءٌ تحتَ لسانِهِ وعلی الإنسانِ أَنْ یَحْفَظَهُ

پاسخ: المرءَ = الإنسان / له ≠ علیه

حواستون باشه که تو سوالات متضاد و مترادف شما نمیتونین فعل رو با اسم یا اسم رو با فعل متضاد یا مترادف بگیرین.

سوال 3 : باید دنبال کلمه متفاوت باشیم

تو این تیپ سوالات کلمات رو بر اساس گروه معناییشون باید دسته بندی کنین و کلماتی که مربوط به یه موضوع هستن یا از نظر معنایی نزدیکن (مثل جنسشون ، ..) رو توی یه گروه قرار بدین . تو بعضی از مجموعه سوالات دسته بندی بر اساس وزن کلمات هم دیده شده . پر تکرار ترین درس تو این سبک سوالات لغات درس 1 هست

الف) خشب (0.25)

شناسنامه: درس 1 یازدهم

«خشب» به معنی چوب هست ولی بقیه گزینه ها فلزی هستن

ب) فَرِحَ (0.25)

شناسنامه: درس 5 یازدهم

«فَرِحَ» یعنی شاد ولی بقیه گزینه ها به معنی سخن و گفتار هستن

سوال 4 : جمع و مفرد کلمه هارو باید بنویسیم

الف) جُذوع (0.25) ب) تَهمة (0.25)

توصیه میکنم که حتما و حتما جمع و مفرد های درس 3 رو بخونین که احتمال سوال دهی از اونجا زیاده

سوال 5 : باید آیات و عبارت هارو ترجمه کنیم :

خب دیگه خودتون میدونین باید تو این سوال چیکار کنین . نکته مهم تو ترجمه اینکه شما علاوه بر اینکه باید بر اساس قواعد عربی کلمات رو درست ترجمه کنین ، باید به ترجمه روان و بر اساس دستور زبان فارسی هم بنویسین .
تو رویکرد جدید نهایی ها یکم تغییر تو متن های سوال نسبت به متن اصلی تو کتاب داریم و شما با متن هایی روبه رو هستین که تغییر ساختاری پیدا کردن تا مستقیماً توانایی ترجمه شما رو بسنجن و از صرفاً حفظ کردن جداتون کنن . به مورد دیگه هم که دیده شده اینکه مباحث قواعدی ترجمه رو تو درس های مختلفی بیان میکنه مثلاً ترجمه « کار » و تأثیرش روی ترجمه فعل رو تو درس 7 میخونین ولی از متن درس 6 سوالشو میده

الف) دوست داشتنی ترین بندگان خدا نزد خداوند (0.25) سودمندترین آنها برای بندگانش است (0.25)

شناسنامه: درس 1 یازدهم

خب بریم نکاتشو بررسی کنیم . هدفمون تو این عبارت بیشتر نحوه ترجمه اسم تفضیل هست . میدونیم که آگه بعد اسم تفضیل ، مضاف الیه داشته باشیم ، به صورت « ترین » ترجمه میشه و آگه بعد اسم تفضیل ، حرف جر « من » بیاد ، با « تر » ترجمه میشه (اکبر من ... : بزرگتر از ...)

أحبُّ عبادِ : اسم تفضیل + مضاف الیه : دوست داشتنی ترین

أنفعهم : اسم تفضیل + مضاف الیه (هم) : سودمندترین

بیاجتتامثال دیگه از درس 1 ببینیم :

ليلة القدر خير من ألف شهر : شب قدر بهتر از هزار ماه است

أفضل الناس أنفعهم للناس : برترین مردم پرنفع ترین آنها برای مردم است

أكبر العيب أن تعيب ما فيك مثله : بزرگترین زشتی آن است که زشت بدانی آنچه را که مانند آن در تو باشد

أفضل الأعمال الكسب من الحلال : برترین کارها کسب حلال است

شر الناس من لا يعتد الأمانة ولا يجتنب الخيانة : بدترین مردم کسی است که پابند به امانت نباشد و از خیانت دوری نکنند

خير الأمور أوسطها : بهترین کارها میانه ترین آنهاست

خير إخوانكم من أهدى إليكم غيوبكُم : بهترین برادران شما کسی است که عیب هایتان را به شما هدیه دهد

ب) هرکس پیش از سخن گفتن بیندیشد (0.25) غالباً از اشتباه سالم میماند (0.25)

شناسنامه: درس 1 یازدهم

خب بریم نکاتشو بررسی کنیم . نوع جمله شرطیه هست . تو جمله شرطیه سه تا چیز مهمه : ترجمه درست ادات شرط (من : هرکس ؛ ما : هرچه ؛ إن : اگر) ،

ترجمه درست فعل شرط (فعل شرط به صورت مضارع التزامی ترجمه میشه) و ترجمه درست جواب شرط (به صورت مضارع اخباری)

حالا تو کتابتون اومده گفته آگه فعل شرط و جواب شرط هر دو تاش ماضی باشن میتونیم به صورت ماضی ساده هم ترجمه کنیم : مَنْ صَبَرَ ، ظَفَرَ : هرکس صبر

کرد ، پیروز شد

بیاجتتامثال دیگه از درس 2 ببینیم :

وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ : و هرکس بر خدا توکل کند او برای وی بس است

امیررضا باستانی

وَمَا تَقْدَمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ: و هر کار خوبی برای خویش از پیش بفرستید آن را نزد خدا خواهید یافت

إِنْ تَتَضَرَّعُوا لِلَّهِ يَنْصُرْكُمْ وَيُتِّبِعْ أَقْدَامَكُمْ: اگر خدا را یاری کنید یا ریتان میکند و گام هایتان را استوار میدارد.

وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا: و چون نادانان ایشان را طرف خطاب قرار دهند به ملایمت پاسخ میدهند

وَمَا تَنْفَعُوا مِنَ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ: و هر آنچه از خوبی انفاق کنید قطعاً خدا از آن آگاه است

إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ: اگر نیکی کنید، به خود نیکی میکنید

وَمَا تَعْمَلُوا مِنْ خَيْرٍ يَعْلَمُهُ اللَّهُ: و هر آنچه از نیکی انجام بدهید خدا آن را میداند

مَنْ فَكَّرَ قَبْلَ الْكَلَامِ، قَلَّ خَطُؤُهُ: هر که قبل از حرف زدن فکر کند، اشتباهش کم میشود

مَنْ يُحَاوِلْ كَثِيرًا، يَصِلْ إِلَى هَدَفِهِ: هر کس بسیار تلاش کند، به هدفش میرسد

مَا تَرَزَّعَ فِي الدُّنْيَا تَحْصُدْ فِي الْآخِرَةِ: هر آنچه در دنیا بکاری، در آخرت برداشت میکنی

مَا فَعَلْتَ مِنَ الْخَيْرِ، وَجَدْتَهَا ذَخِيرَةً لِآخِرَتِكَ: هر چه از خوبی ها انجام دهید آن را ذخیره ای برای آخرت میابی

إِنْ صَبَرْتَ، حَصَلَتْ عَلَى النِّجَاحِ فِي حَيَاتِكَ: اگر شکیبا باشی، در زندگی ات به پیروزی میرسی

ج) سنجاب دانه های سالم بلوط را زیر خاک پنهان میکند (0.25) و گاهی مکان آن ها را فراموش میکند (0.25)

شناسنامه: درس 3 یازدهم

خب بریم نکاتشو بررسی کنیم. مهمترین نکته درباره این عبارت ترجمه «قد + مضارع» هست. میدونیم که «قد + ماضی» معنی ماضی نقلی میده ولی «قد + مضارع» اینجوری نیست. تو این حالت «قد» معنی «گاهی» میده و فعل مضارع بعدش به صورت عادی ترجمه میشه.

بیاجتاه مثال دیگه از درس 3 ببینیم:

شَجَرَةُ الْخَبْرِ شَجَرَةٌ اسْتَوَانِيَّةٌ تَنْمُو فِي جُزُرِ الْمَحِيطِ الْهَادِي: درخت نان درختی استوایی است که در جزیره های اقیانوس آرام رشد میکند

و تحتوی بذور شجرة النفط زبوتا لا يُسَبَّبُ استعالمها خروج أي غازات ملوثة: دانه های درخت نفت روغن هایی را دربردارد که سوختن آنها خارج شدن هیچ یک از گازهای آلوده کننده را سبب نمیشود

رائحة شجرة النفط كريهة تُهْرَبُ مِنْهَا الْحَيَوَانَاتُ: بوی درخت نفت ناپسند است که جانوران از آن میگریزند

علينا بالذهاب إلى الملعب قبل أن يمتلئ بالمتفرجين: ما باید به ورزشگاه برویم قبل از اینکه با تماشاچیان پر شود

الشجرة الخائفة تنمو في بعض الغابات الاستوائية وتخلق شجرةً بالإلتاف حول جذع و غصونها: درخت خفه کننده در بعضی از جنگلهای استوایی رشد میکند و درختی را با درهم پیچید دور تنه و شاخه هایش خفه میکند

ظواهر الطبيعة تُثَبِّتُ حَقِيقَةً وَاحِدَةً وَهِيَ قُدْرَةُ اللَّهِ: پدیده های طبیعت یک حقیقتی را ثابت میکند و آن قدرت خداوند است

أشجرة السكويا من أطول أشجار العالم قد يبلغ ارتفاع بعضها أكثر من مئة متر: درخت سکویا از بلندترین درختان جهان است گاهی ارتفاع برخی از آنها بیشتر از

صدمتر است

مَنْ يَزْرَعُ زَرْعًا قَائِلٌ مِنْهُ طَيْرٌ أَوْ إِنْسَانٌ أَوْ بَهِيمَةٌ يَجْعَلِ اللَّهُ لَهُ بِهِ صَدَقَةً: هر کس کشتی را بکارد پس پرنده ای یا انسانی یا چهارپایی از آن بخورد خداوند بآن
برایش صدقه ای قرار میدهد

(د) و بر او لازم است که (0.25) در موضوعی دخالت نکند که (0.25) خودش را در معرض تهمت ها قرار دهد (0.25)

شنانامه: درس 4 یازدهم

خب بریم نکاتشو بررسی کنیم. خب اول از هر چیزی بدوین که وقتی « علیه » اول جمله میاد معنی فعلی داره و به صورت « بر او واجب است » ترجمه میشه. مورد بعدی اینکه « لا + أن + فعل » داریم توجه کنیم که باید به صورت « که + مضارع التزامی منفی » ترجمه بشه. موضوع بعدی این که ما تو اینجا جمله وصفیه داریم (موضوع يُعْرَضُ) بنابراین باید به صورت « اسم نکره + فعل » ترجمه بشه حالا این فعل چطوری ترجمه میشه؟ پایینو ببین:

ماضی + اسم نکره + مضارع: فعل دوم به صورت ماضی استمراری ترجمه میشه: **ذهبْتُ** عند **معلمٍ يُدْرِسُ** العربية: نزد معلمی رفتم که عربی تدریس میکرد

ماضی + اسم نکره + ماضی: فعل دوم به صورت ماضی بعید ترجمه میشه: **تَنَكَّرْتُ** لحظة **ذهبْتُ** علي: لحظه ای را که علی رفته بود به یاد آوردم

مضارع + اسم نکره + مضارع: فعل دوم به صورت مضارع التزامی ترجمه میشه: **أُجَالِسُ** شخصاً **يُفِيدُنِي**: با شخصی همنشینی میکنم که به من فایده برساند

ه) دانش آموزان از کارشان شرمنده شدند (0.25) و با استادشان پیمان بستند (0.25) که دروغ نگویند (0.25)

شنانامه: درس 5 یازدهم

خب بریم نکاتشو بررسی کنیم. خب اول از همه به ترجمه دو تا فعل « حَجَلَ » و « عاهدوا » دقت کنین و نمره الکی از دست ندین. بعدشم به ترجمه ضمائر تو این عبارت (مثل ضمیر « هم » در « عملهم ») توجه کنین. و در آخرم به ترجمه « لا + أن + فعل مضارع » توجه کنین

پیاچنتا مثال دیگه از درس 5 ببینیم:

لَنْ تَتَالَوْا الْبِرَّ حَتَّى تَتَفَقَّحُوا وَمَا تُحَيُّوْنَ: هرگز به نیکی نخواهید رسید تا از آنچه که دوست دارید انفاق کنید

استخدم الطالب المشاغب خطه فأجل المعلم الإمتحان للأسبوع القادم: دانش آموز اخلاک نقشه ای را به کار گرفت پس معلم امتحان را برای هفته آینده به
تاخیر انداخت

لكيلا تحزنوا على ما فاتكم: تا برای آنچه که از کف داده اید اندوهگین نشوید

خير إخوانك من دعاك إلى صدق المقال بصدق مقالیه: بهترین برادران کسی است که به گفتار راست خود تو را به راست گویی دعوت کند

لا تستسر الكذاب فإنه كالسراب يُقربُ عليك البعيد و يُبعدُ عليك القريب: با دروغگو مشورت نكن چون دروغگو مانند سراب دور را به تو نزدیک نشان میدهد و
نزدیک را دور

يبلغ الصادق بصدقه ما لا يبلغه الكاذب باحتیاله: راستگو با راستگویی خود به چیزی میرسد که دروغگو با حيله گری خود به آن نمیرسد

لا تحدث الناس بكلم ما سمعت به: تمام آنچه را شنیده ای را با مردم در میان مگذار

و) شیمیل به آسانی به زبان فارسی (0.25) سخنرانی میکرد (0.25)

شنانامه: درس 6 یازدهم

خب بریم نکاتشو بررسی کنیم . مهمترین نکته درباره این عبارت برمیگردد به نحوه ترجمه « کان + فعل مضارع » که تو این حالت فعل مضارع به صورت « ماضی استمراری » ترجمه میشه .

بیاجتاهاتال دیگه از درس 6 ببینیم :

کان هدف شیمل مدّ جسور الصداقة و التفاهم بین اروپا و العالم الإسلامی : هدف شیمل کشیدن پل دوستی و تفاهم بین اروپا و جهان اسلام بود
کانه شیمل تدعو الناس لفهم حقائق الدين الإسلامی و الإطلاع علیه : شیمل مردم را به فهمیدن حقیقت های دین اسلام و اطلاع بر آن فرامی خواند
هی کانن تجب العیش فی الشرق لذلك دّرس مدّة طويلة فی الهند : او زندگی در شرق را دوسه میداشت بنابراین زمانی طولانی را در هند تدریس کرد
کانن شیمل تقرأ الأديعة والأحاديث الإسلامیة باللغة العربیة ولا تُراجح ترجمتها : شیمل دعاها و حدیث های اسلامی را به زبان عربی میخواند و به ترجمه آن ها مراجعه نمیکرد

وُلِدَ شیمل فی ألمانيا و کانن منذ طفولتها مُعجبةً بإيران : شیمل در آلمان متولد شد و از زمان کودکی اش شیفته ایران بود

کانن شیمل مُشتاقهً إلى كلّ ما یرتبط بالشرق : شیمل مشتاق هر چیزی بود که به شرق ربط داشت

ی) لغت نامه عربی شده های فارسی (0.25) کتابی است که (0.25) واژه های فارسی عربی شده (0.25) را دربر میگیرد (0.25)

شناسنامه : درس 7 یازدهم

خب بریم نکاتشو بررسی کنیم . اول از همه به ترجمه « مُعجِمُ الْمُعْرَبَاتِ الفارسیّة » دقت کنیم . بعدشم اینجا جمله وصفیه داریم (کتابُ یضمُّ) پس باید به صورت « کتابی است که + فعل » ترجمه بشه . چون فعلی هم قبل « یضمُّ » نیست پس عادی ترجمه میکنیم .

بیاجتاهاتال دیگه از درس 7 ببینیم :

کانن تأثیر اللغة الفارسیة على اللغة العربیة قبل اسلام أكثر من تأثیرها بعد اسلام : اثرگذاری زبان فارسی بر زبان عربی قبل از اسلام بیشتر از اثرگذاری آن بعد از اسلام بود

و يقولون بأفواههم ما ليس فی قلوبهم و الله أعلم بما یکتُمون : به زبان خویش چیزی می گویند که در دلهایشان نیست و خدا به آنچه پنهان می کنند، داناتر است
و اذكروا نعمة الله علیکم إذ كنتم أعداء فألّفَ بین قلوبکم فأصبحتم بنعمته إخواناً : و نعمت خدا را بر خود یاد کنید آنگاه که دشمنان یک دیگر بودید پس میان دلهای شما الفت انداخت تا به لطف او برادران هم شدید

یوم یُنظرُ المرء ما قدّمه یداه و یقولُ الکافرُ لِیَتی کنت تُراباً؟ روزی که آدمی آنچه را با دستان خویش پیش فرستاده است می گردد و کافر می گوید کاش من خاک بودم .

إنّ الله کان غفوراً رحیماً : بی گمان خداوند آمرزنده مهربان است .

أُنزل من السماء ماءً فَتَصْبِحُ الأرضُ مُخضرةً : از آسمان آبی فرو فرستاد پس زمین سرسبز می شود .

سوال 6 : باید ترجمه درست رو انتخاب کنیم

این سوال به این صورت هست که براتون یه عبارت میدن با 2 یا حداکثر 3 گزینه تا از بین اونا ترجمه درست رو انتخاب کنین . این عبارت دو حالت داره :

(1) توش قواعد (اسم تفضیل ؛ معرفه نکره ، جمله وصفیه ، ترجمه فعل) دیده میشه . تو این حالت اصولاً محل اختلاف دو تا گزینه تو نحوه ترجمه همین قواعد و باید حواستون به اون باشه .

(2) از قواعد بالا خبری نیست و یه عبارت عادی هست : تو این حالت میخواد توانایی ترجمه شما و لغت شناسیتون رو بسنجه . به این مثال توجه کنین :

الَّتِي تَخْتَبُ الصَّحِيحَ فِي التَّرْجُمَةِ :

جاءَ الوالدُ يُولِّدُهُ إِلَى المَعْلَمِ :

الف) پدر یا پسرش به سوی معلم آمد ب) پدر پسرش را به سوی معلم آورد

خب انتخابتون کدومه؟؟ آگه فقط حواستون به فعل « جاءَ » باشه میگین خبیب « جاءَ » یعنی « آمد » پس جواب الفه وووولی دقت نمیکنین که فعل م. جاءَ بِـ هست یعنی « آورد »

الف) گزینه 1 (0.25)

از چند جهت میشه بهش جواب داد . یکی ترجمه « كانَ » که معنی « داشت » میده . یکی دیگه ترجمه « دَوْرٌ عَظِيمٌ » هست که نکتنش ترجمه موصوف صفت نکره هست . موصوف صفت نکره به این صورت ترجمه میشه : طالبُ ذِکْیَ : دانش آموز باهوشی / دانش آموزی باهوش / یک دانش آموز باهوش

ب) گزینه 1 (0.25)

ج) گزینه 1 (0.25)

به ترکیب « قَدْ + کَتَبَ » دقت کنین . اول اینکه « قَدْ + ماضی » به صورت ماضی نقلی ترجمه میشه . ثانیاً اینکه فعل « کَتَبَ » مجهوله پس باید به صورت ماضی نقلی و مجهول ترجمش کنیم

کلا یاد باشه هر وقت فعل ماضی اولش باشه مجهوله

سوال 7 : باید ترجمه رو کامل کنیم

اصولاً تو این سوالا با دو سبک از جای خالی رو به رو هستیم :

(1) قواعد محور : که بیشتر رو محوریت فعل و انواع اون و ترجمه هاش میچرخه

(2) لغت محور : که بیشتر رو محوریت ترجمه ضمایر و ترجمه درست جمع و مفرد هست .

بهترین راه اینکه برای پاسخ دادن به این سوالا ، روی کلماتی که خودش ترجمه کرده خط بزنیم تا موارد ترجمه نشده در بیاد .

الف) بهترین (0.25) / پرسیده شد (0.25) / آن را (0.25)

اولین جای خالی مربوط به کلمه « خیر » هست و چون بعدش مضاف الیه اومده به صورت « بهترین » ترجمه میشه (آگه « مِن » میومد : بهتر) . دومین جای خالی برای فعل « سئِلَ » هست . فعل « سئِلَ » مجهوله (هر فعل ماضی که اولش باشه مجهوله) پس باید به صورت پرسیده شد ترجمه بشه . جای خالی بعدی برای ضمیر « ه » در « زَرَعَهُ » هست که به صورت « آن را » ترجمه میشه .

ب) دستورات (0.25) / سرپیچی نمیکند (0.25)

جای خالی اول برای «أوامر» هست که کلمه جمعه و به صورت «دستورات» ترجمه میشه. جای خالی دوم هم برای «لا يعصى» هست که به فعل مضارع منفی هست پس به صورت «سرپیچی نمیکند» ترجمه میشه. دقت کن که به صورت نهی ترجمه نکنی (یعنی نگوی نباید سرپیچی بکند)

ج) زبان ها (0.25)

سوال 8 : باید فعل هایی که مشخص شده رو ترجمه کنیم

طبق دستور العمل طراحی سوال تمرکز تو این بخش روی فعل های امر، نهی، نفی، آینده و ماضی و مضارع ساده هست.

پس باید به تفاوت لای نهی و نفی، ترجمه فعل امر و... توجه کنی

هرچند تو دستور العمل گفته از فعل مجهول اینجا استفاده نشه ولی بهتره حواستون به شناسایی و ترجمه فعل مجهول هم باشه:

ماضی: اولشْ - و عین الفعلِ - كُتِبَ / مضارع: اولشْ - و عین الفعلِ - يُرْسَلُ

الف) سفر نکن (0.25)

این فعل به فعل نهی هست. تشخیص فعل نهی هم خیلی راحت: هر وقت دیدی لا + فعلی شده که آخرش ساکنه (لا يَذْهَبُ) یا فعلی که نور آخرش حذف شده (لا يَذْهَبُ) لا تَذْهَبُ) همیشه لای نهی

ترجمش که مشخصه. آگه لا + فعل های غائب بشه: لا يَذْهَبُ: نباید برود / آگه لا + فعل های مخاطب بشه: لا تَذْهَبُ: نرو

ب) به یاد خواهیم آورد (0.25)

یه فعل آینده هست. کلا «سَنَ / سَوْفَ + مضارع» برای ما «آینده» میسازه

ج) نیکی کن (0.25)

یه فعل امر داریم. شناسایی فعل امر هم واقعا کاری نداره: هر وقت دیدی یه فعل داری که اولش ادات جازمه و ناصبه نیست ولی آخرش ساکن شده یا نونش حذف شده امره.

یاد باشه فعل روی این وزن ها بیاد قطعا امره: أَفْعِلْ (مثل أَحْسِنْ) / فَعَّلْ (مثل عَلَّمَ) / فَاعِلْ (شَاكِرٌ) / إِنْفَعِلْ / إِفْعِلْ /...

د) یاد نگرفتید (0.25)

فعل ما به فعل ماضی و نفی هست. فعل نفی دو حالت داره: ما + ماضی / لا + مضارع.

نکته مهم اینکه وقتی «لا + مضارع» رو داریم تو این حالت، بلاپی سر فعل نمیداد یعنی آخرش ساکن نمیشه یا چیزی از آخرش حذف نمیشه و فقط معنی اون به صورت منفی در میاد

سما حل کنین:

الف) لا تَظْلِمُ كما لا تُجِبُّ ب) أَتَذَكَّرُ تلكَ مباراة ج) وافقَ المعلمُ على طلبِ طالب د) قد تبلى من العمر....

سوال 9 : نوع فعل هایی که خواسته رو مشخص میکنیم

تو این سوالا هدف توانایی شناسایی فعل تو شماسه. کلا 4 نوع فعل هم مد نظره: امر، نهی، ماضی، مضارع

به جدول زیر دقت کنین:

امر	ماضی	نهی	مضارع
به توضیح های مورد ج تو سوال 8 دقت کن	فعل های ماضی عادی تو بشناس	لا + مضارع به شرطی که آخرش ساکن باشه یا نونش حذف بشه (به جز فعل های جمع مونث)	مضارع های عادی رو بشناس حتما و یاد باشه که تو این سوالا امر و نهی رو جزو مضارع حساب نکنی چون خودشون جدا هستن
	هروقت به آخر فعل ے ، ے و ے چسبیده باشه ماضیه	اگه « لا + فعل مضارع + اسم ال دار داشتی قطعا لای نهی داری	هروقت قبل فعلت « أن ، لن ، کی ، لکی ، حتی ، ل ، لم ، لَمَا ، لا » داشتی مضارعه هروقت آخر فعل مرفوع بود مضارعه فقط به فعل پروژن « فَعَلْتُ » دقت کن که ماضیه

(ب) ماضی : ما سمعت (0.25)

(الف) نهی : لا تُحدث (0.25)

(د) مضارع : لم يرجعوا (0.25)

(ج) امر : عَلِّمْنِي (0.25)

شما حل کنین:

(الف) لا تَسْتَشِيرِ الْكَذَّابَ فَإِنَّهُ كَالسَّرَابِ يُقَرَّبُ عَلَيْكَ الْبَعِيدُ وَ يُبْعَدُ عَلَيْكَ الْقَرِيبُ

(ب) اللَّهُمَّ كَمَا حَسَنْتَ خَلْقِي فَحَسِّنْ خُلُقِي

سوال 10 : باید اسم هایی که میخواد رو پیدا کنیم :

اسم فاعل کدوماست؟ بروزن فاعل: جاهد / ساکن / حامد / ... / بروزن فاعلی: هادی / ساعی / قاضی / ... / بروزن فاعل: ضال / شارب

بروزن فاعل: طالب / کتاب / شایح / ... / بروزن فاعله: وَرَثَةُ / طَلَبَةُ / ... / هر کلمه ای که اولش م باشه و عین الفعل باشه: مُحَسِّن / مُعَلِّم / ...

اسم مفعول کدوماست؟ بروزن مفعول: محصول / مسوول / محمود / ... / هر کلمه ای که اولش م باشه و عین الفعل باشه: مُحَدَّد / مُرْسَل /

اسم مبالغه کدوماست؟ بروزن فاعل: كَذَاب / سَيَّاس / ... / بروزن فاعله: جَزَارَة / سَيَّارَة / عَلَامَة / فَهَامَة / ...

اسم تفضیل چیا بودن؟ أَفْعَل: أَكْبَر ، أَحْسَن ، أَكْرَم ، أَصْغَر ، / أَفْل: أَوَّل ، أَذْق ، أَصَح ، أَخَف ، أَشَد ، أَحَق / أَفْعَى: أَعْلَى ، أَوَّلَى ، أَزْكَى ،

ابْقَى ، ... / فَعْلَى: كُبْرَى ، صُغْرَى ، فَضْلَى ، ... / أَفَاعِل: أَرَاذِل ، أَفَاضِل / خَيْر + مضاف الیه: خَيْر الْعِبَاد / خَيْر + مِن: خَيْرُ مِن ...

اسم مکان کو؟ بروزن مفعول: مَكْتَب / بروزن مفعول: مَسْجِد / بروزن مفعله: مَدْرَسَة / بروزن مفاعل: مَسَاجِد

الف) تفضیل : أتقى (0.25) ب) مکان : مجلس (0.25) ج) فاعل : مُعلِّم (0.25)
 د) مفعول : مُحَضَّرَة (0.25) هـ) مبالغه : الكذاب (0.25)

البته میتونه به یه حالت دیگه هم سوال بده اونم اینکه بیاد زیر یکی از این اسما خط بکشه و بگه معنیش کن . سبکی که تو نهایی دوازدهم خیلی میبینیم . مثلاً:

قدرة الكلام أقوى من السلاح: قوی تر (چون اسم تفضیل + مِنْ بِشْه معنی «تر» میده)

خَيْرُ الْمَدْرَسَةِ لِلطَّلَابِ مدرسة قریبة لبيتهم: بهترین (خیر / شر + مضاف الیه بِشْه معنی «ترین» میده)

كُنَّا نَشَاهِدُ مُبَارَاةَ كُرَةِ الْقَدَمِ فِي بَعْضِ الْمَلَاعِبِ

شما حل کنین:

سمى بعضُ المُفسِّرين سورة الحُجرات بسورة الأخلاق / الغيبة من أهم أسباب قَطْعِ التَّوَاضُلِ بَيْنَ النَّاسِ
 فى مَدْرَسَتِنَا مُعَلِّمٌ حَازِقٌ وَ هُوَ رَسَامٌ مُجَرَّبٌ

سوال 11 : بازی با عدده دیگه

جواب : 17=3-20

سوال 12 : جمله وصفیه رو پیدا میکنیم و بعد ترجمه میکنیم

کلا دو سبک سوال دهی داره:

1) مثل سوال ما بگه جمله وصفیه رو پیدا کن و ترجمه کن

2) فقط اِزْتِ بخواد بر اساس قواعد جمله وصفیه، ترجمه کنی . با این ادبیات میگه: ترجم هذه العبارة حسب قواعد الجملة بعد نكرة .

پیدا کردن جمله وصفیه که خیلی راحتیه: کافیه به اسم نکره (تتوین دار) تو عبارت پیدا کنی که بعدش فعل اومده . به اون فعل میگی جمله وصفیه:

الهِ أَعُوذُ بِكَ مِنْ عِلْمٍ لَا يَنْفَعُ (خرداد 1403)

2) أَقْتَنَسْتُ عَنْ مَعْجَمٍ يُسَاعِدُنِي فِي فَهْمِ النُّصُوصِ (هماهنگ کسوری صبح خرداد 1402)

3) وَجَدْتُ بِرَنَامَجاً يُسَاعِدُنِي عَلَى تَعَلُّمِ الْعَرَبِيَّةِ (هماهنگ کسوری عصر خرداد 1402 / شبیه نهایی نوبت عصر 1403)

4) رَأَيْتُ وَلَدًا يَمْشِي بِسُرْعَةٍ (هماهنگ کسوری شهریور 1402)

ترجمه جمله وصفیه هم تو سوال 5 مورد دگتیم بهت

جواب : جمله وصفیه : يفتخر (0.25) / ترجمه جمله وصفیه : افتخار میکرد . (0.25)

حالا اگه میپرسی چرا « افتخار میکرد » نوشتیم باید بگم که وقتی فعل ماضی + فعل مضارع میشه ، فعل مضارع به صورت « ماضی استمراری » ترجمه میشه . تو

اینجا هم « کَلَّمَ » + « يَفْتَحِرُ » شده .

امیررضا باستانی

شما حل کنید:

اکمل ترجمه هذه العبارة حسب قواعد الجملة بعد نكرة

أشاهد طالبا يكتب تمارين الدرس في الصف: دانش آموزی را میبینم.....

سوال 13 : جواب صحیحو باید انتخاب کنیم

دست طراح تو این سوالات بازه واقعا و غالبا برای سنجش توانایی شما تو چند بُعد مربوط به فعل هست:

1) ترجمه صحیح فعل با ادات ناصبه و جازمه

2) ترجمه صحیح فعل با کَانَ

3) انتخاب فعل درست بر اساس زمان و یا ساختار یا معنی جمله

4) انتخاب فعل درست بر اساس تطابق

ترجمه هارو هم که میدونی؟

1) ادات ناصبه به جز «لَنْ» یعنی «أَنْ، كَيْ، لَكَيْ، حَتَّى، لَ» + فعل مضارع بَشْن: خودشون معنی «که، تا اینکه» میدن و فعل بعدی به صورت مضارع التزامی ترجمه میشه.

2) لَنْ + مضارع به صورت آینده منفی ترجمه میشه

3) لَمْ + مضارع به صورت ماضی منفی ساده ترجمه میشه

4) لَمَّا + مضارع به صورت ماضی منفی ثقلی ترجمه میشه

5) لَ جازمه + مضارع به صورت باید + مضارع التزامی ترجمه میشه

6) أَكَّانَ + ماضی به صورت ماضی بعید ترجمه میشه

7) أَكَّانَ + مضارع به صورت ماضی استمراری ترجمه میشه

الف) ننوشت (0.25)

چون لم + مضارع = ما + ماضی = ماضی منفی ساده هست.

میتونست با این لفظ هم سوالو بده: عَتِنَ فَعْلًا يَعَادِلُ الْمَاضِيَ الْمُنْفَى فِي اللُّغَةِ الْفَارْسِيَّةِ

ب) باید گوش فرادهند (0.25)

هر وقت ل + فعل مضارع يال + فعل مضارع + اسم ال دار یافت + ل + فعل مضارع داشتی ، نوع «ل» جازمه هست . و به صورت « باید + مضارع التزامی » ترجمه بشه

اگه بگه « عین فعلاً يعادل المضارع التزامی فی اللغة الفارسیة » تمام حالت های زیر در پرمیگیره : الف) حروف ناصبه (به جز لن) + مضارع : أن يذهب : که برود ب) فعل شرط ج) «ل» جاذمه + مضارع : لتكتب : باید بنویسد

ج) أن تكتب (0.25)

با ترجمه بری جلو میبینی که به نیازمندی به ترجمه « که » داری . بین گزینه ها هم فقط گزینه 3 این نیازو برطرف میکنه .

د) لن نساfer (0.25)

وقتی کلماتی مثل « آتی ، غذا وکلا هر چیزی که به آینده ربط داره » بیاد ؛ فعلی رو انتخاب میکنیم که برا آینده باشه . « لن + مضارع » به صورت آینده منفی ترجمه میشه .

میتونست با این لفظم سوالو بده : عین فعلاً يعادل المستقبل المنفی فی اللغة الفارسیة

شما حل کنین :

1) الآثار القديمة اهتمام الإنسان بالدين (تَوَكَّدَ / يُؤَكِّدُونَ / يُؤَكِّدُ)

2) زملائی فی صالة الامتحان إلا حامداً (خَصَّرَ / خَصَّرُوا / خَصَّرَتْ)

3) الطلابُ واعتذروا من فعلهم (خَجَلْتُمْ / خَجَلُوا / خَجَلْنَ) (شبه نهایی 1403)

4) أتيها الطلابُ خیر الناس (جالسوا / اجلسوا / تجلسون) (شبه نهایی 1403)

5) عین فعلاً يعادل المستقبل المنفی فی اللغة الفارسیة (خرداد 1402 - عصر)

الف) حتی يحكم ب اکی يذهب ج) لن تتالوا د) أن يحاولوا

6) الفتیات العاقلات على حجابهن

1) يحافظن 2) تحافظ 3) يحافظ 4) تحافظين

سوال 14 : فعل هایی که مشخص کرده رو باید ترجمه کنیم

هدف این سوال صرفاً سنجش توانایی شما در ترجمه افعال با ادا ناصبه و جازمه و کان هست

نحوه ترجمه هارو توی سوال قبل گفتم

1) تا داوری کند (0.25) 2) غیبت میکردند (0.25) 3) که پیروی نکنند (0.25) 4) افزایش یافته بود (0.25)

5) یاد نگرفت (0.25) 6) هم نشینی نخواهد کرد (0.25)

امیررضا باستانی

دقت کنید که نحوه ترجمه «کان» + قد + ماضی «مثل» «کان» + ماضی «هست» و جفتشون رو به صورت ماضی بعید ترجمه میکنیم.

از فعل ناقصه میتونه به سبک دیگه سوالم بده:

ترجم العبارات حسب قواعد التي قرأناها في معاني الأفعال الناقصة:

1) كان الطالب قد سمع 2) كان لك خاتم فضة 3) كانت شيمل قد كتبت مقالة علمية 4) صار باب المدرسة مغلقاً

جواب 1: دانش آموز شنیده بود

جواب 2: انگشتری نقره ای داشتی

جواب 3: شیمل مقاله های علمی را نوشته بود

جواب 4: در مدرسه بسته شد

سوال 15 : نقش کلمات رو باید بنویسیم

نقش هایی که مدنظره شامل: مبتدا، خبر، فاعل، مفعول، صفت، مضاف الیه، جارومجرور یا مجرور به حرف جر هست

فاعل: تو زبان عربی همیشه بعد فعل میاد: فعل + اسم مرفوع (اسم / اسم / اسمون): يذهب الطالب الى المدرسة

مفعول: به اسم منصوبه بعد فعله: فعل + اسم منصوب (اسم / اسم / اسمين): كَتَبَ عَلَى رِسَالَةٍ

مبتدا: آگه جمله بایه اسم مرفوع شروع شه بهش میگیریم مبتدا: الطالب يذهب الى المدرسة

خبر: چند نوع داره ولی اونیه که تو یازدهم خیلی مهمه از نوع اسمیه. اینجوری بگم که آگه به دیدی به اسمی وسط جمله اومده و بی دلیل

نکره و مرفوعه (قبلش فعل نیست تا این فاعلش بشه) خبره

حروف جر شامل: فی، الی، علی، ی، حتی، ل، عن، ک، و من هستن. آگه بعد این ها اسم بیاد (حرف جر + اسم) باهم ساختار

جارومجرور میسازن. نقش اسم هم میسه مجرور به حرف جر

اصولاً وقتی میخوان براتون از جارومجرور سوال بدن 2 صورته:

1) قرأتُ الدرس من الصباح إلى الليل. نقش ساختار مشخص شده را بنویسید: جارومجرور

2) قرأتُ الدرس من الصباح إلى الليل: نقش کلمه مشخص شده را بنویسید: مجرور به حرف جر

الف) مضاف الیه (0.25) / خبر (0.25) ب) مبتدا (0.25) / مفعول (0.25)

ج) صفت (0.25) د) فاعل (0.25)

سوال 16 : جاهای خالی رو پر میکنیم

جاهای خالی که میدن اصولاً 2 حالت داره ولی جفت این 2 حالت در بحث لغت و معنی هست:

(1) از تعریف کلمات میدن

(2) به جمله از کتاب درسی که به لغت حذف شده و باید بر اساس معنی بزاری سرچاش

(1) السبورة (0.25) (2) يتذكّر (0.25) (3) شهادة (0.25) (4) الميث (0.25)

سوال 17 : صحیح یا غلط بودنشون رو باید مشخص کنیم :

الف(ص) (0.25) ب(غ) (0.25) : این تعریف کلمه « مزارع » هست نه « مزارع »

سوال 18 : متنو میخونی به سوالا جواب میدی :

اصولاً متن هایی که تو یازدهم میدن خیلی راحت و بر اساس همون متن کتاب درسی هست و پیچیدگی خاصی نداره فقط اصلاً سعی نکنین کلمه به کلمه و دقیق بخونین و بیشتر سعی کنین از روش روزنامه وار و سریع رد بشین تا زمان زیادی از دست ندین . بیشترین فراوانی برای این بخش متن های درس 3 هست

ترجمه متن سوال :

درخت نان درختی استوایی است که در جزیره های اقیانوس آرام رشد می کند . میوه هایی مانند نان را در آخر شاخه هایش می دهد و مردم مغز این میوه ها را می خورند . نوعی از درخت نفت در شهر نیکشهر یافت می شود و تولید نفت از آن ممکن است و کشاورزان برای حفظ محصولات خود از حیوانات آن را مانند پرچینی دور کشتزار هایشان به کار می گیرند ، و دانه های درخت نفت روغن هایی را در بر دارد که سوختن آن خارج شدن هیچ یک از گاز های آلوده کننده ای را سبب نمی شود . میوه های انگور برزیلی روی تنه اش رشد می کنند . از مهم ترین ویژگی های این درخت این است که میوه هایی را در طول سال می دهد . درخت خفه کننده در بعضی از جنگل های استوایی رشد می کند و زندگی اش را با درهم پیچیدن دور تنه ی درختی و شاخه هایش آغاز می کند . گاهی عمر برخی از درختان بلوط به دو هزار سال می رسد . سنجاب دانه های سالم بلوط را زیر خاک دفن می کند ، ولی گاهی جای آن ها را فراموش می کند . جنگل هایی از درخت بلوط در استان ایلام یافت می شود . پدیده های طبیعت یک حقیقتی را ثابت می کند و آن قدرت خداوند است

الف) السنجاب (0.25) ب) یستخدمها المزارع کسباج حول المزارع (0.25)

ج) أهتم خصوصية هذه الشجرة أنّها تُعطى أثماراً طول السنة (0.25) د) ظواهر الطبيعة تثبت قدرة الله (0.25)

سوال 19 : باید کلمات درهم ریخته رو درست کنیم تا به گفتگو شکل بگیره

جواب : كم سعر هذا الفستان النسائي؟ (0.25)